

# عصری نغمه‌ها

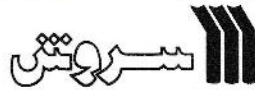
چاپ هفتم

ریچارد ن. فرای

ترجمه مسعود رجب‌نیا



Frye, Richard Nelson      فرای، ریچارد نلسون، ۱۹۲۵-۲۰۱۴ م.  
**عصر زرین فرهنگ ایران** / ریچارد ن. فرای؛ ترجمه مسعود رجب‌نیا. - تهران:  
 سروش (انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران)، ۱۳۷۵.  
 شانزده، ۳۱۶ ص.؛ مصور، نقشه، جدول.  
 فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
 عنوان اصلی:  
 The Golden Age of Persia.  
 چاپ هفتم: ۱۴۰۱.      ۱,۱۰۰,۰۰۰ ریال      ISBN: 978-964-12-1539-4  
 ۱. تمدن ایرانی - تاریخ. ۲. فرهنگ ایرانی - تاریخ. ۳. ایران - تمدن - تاریخ. ۴. ایران -  
 تاریخ. ۵. ایران - تاریخ - حکومت اعراب و جنبش‌های ملی؛ تا ۲۰۵ ق. الف. رجب‌نیا،  
 مسعود، ۱۲۹۸-۱۳۷۷. مترجم. ب. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. انتشارات  
 سروش. ج. عنوان.  
 ۹۵۵/۰۰۴۴      DSR۵۱۶/۴ع۶  
 ۱۳۷۵  
 کتابخانه ملی ایران      ۷۵-۸۱۱۵ م



انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتح، ساختمان سروش

مرکز بخش: ۶۶۴۹۳۶۲۲ / واتس‌آپ: ۰۹۹۲۱۶۰۵۱۱۹ / سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۵۳۵۶

<http://www.soroushpub.com>

عنوان: عصر زرین فرهنگ ایران

نویسنده: ریچارد ن. فرای

مترجم: مسعود رجب‌نیا

طراح جلد: مهران مستوفی

چاپ اول: ۱۳۵۸      چاپ هفتم: ۱۴۰۱

این کتاب در پانصد نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۱۵۳۹-۴

چاپ اول تا ششم: ۱۶,۰۰۰ نسخه

## فهرست مطالب

۹	فهرست تصاویر
۱۱	دیباچه مترجم
۱۳	مقدمه
۱۷	فصل اول - گذشته و حال و آینده
۲۳	فصل دوم - ایران ساسانی
۴۴	فصل سوم - آسیای میانه پیش از حمله عرب
۷۱	فصل چهارم - فتوحات عرب در ایران
۹۱	فصل پنجم - فتوحات اسلام در آسیای میانه
۱۲۰	فصل ششم - عباسیان و مغرب ایران
۱۴۲	فصل هفتم - فرقه‌های کفر و دین اسلام
۱۶۶	فصل هشتم - خدمات‌های ایران به فرهنگ اسلامی
۱۹۲	فصل نهم - هنرها و پیشه‌ها
۲۰۳	فصل دهم - دودمان‌های ایرانی
۲۳۰	فصل یازدهم - برتری یافتن ترکان
۲۴۸	فصل دوازدهم - میراث عرب
۲۵۴	نقشه‌ها
۲۵۶	ضمیمه ۱: واژه‌های فارسی در عربی
۲۵۹	ضمیمه ۲: جداول
۲۶۴	حواشی
۲۹۲	منابع کلی
۲۹۴	منابع اصلی
۲۹۷	فهرست راهنما

## فصل اول

### گذشته و حال و آینده

از همه سرزمینهای خاور میانه، ایران شاید هم محافظه‌کارترین و نیز با ابتکارترین آنها باشد. در برابر مصر و سوریه که فی‌المثل در دوهزاره اخیر تاریخ، دگرگونیهای بسیار پذیرفتند، ایران گویا بسیاری از میراث خویش را حفظ کرده باشد. به مسیحیت گرویدن سرزمینهای شرقی سیرانه باعث بریدگی شگرف کشورهای مصر و سوریه از گذشته خویش گردید. زیرا که از نظر کلی تاریخ با ظهور مسیح شروع می‌شد. پس خاطره مفصل و ممتد سلطنت فرعونان دیگر از نظر مصریان که در سایه مسیحیت چشم به آینده دوخته بودند چندان جالب توجه نمی‌نمود. از نظر مردم هلال‌الخصیب و شمال آفریقا و آناتولی نیز حال چنین بود. اما ایران با وجود گرایش به آئینی نو همچنان آئین زرتشت و رسوم و آداب کهن را نگاهداشت.

ایرانیان از لحاظ سیاسی نیز هرگز شکوه‌مندی حکومت شاهنشاهی را با آنکه گاهی حتی نام هخامنشیان فراموش شده است از یاد نبرده‌اند. امپراطوریه‌ها و پادشاهیها چه بسا آمدند و رفتند؛ ولی خاطره کشور بزرگ یکپارچه نه تنها به الهام‌بخشیدن به نوازندگان دوره‌گرد و شاعران ادامه داد، بلکه امور سیاسی را هم جهت بخشید. در نتیجه آرمانهای شاهنشاهی در حکومت ساسانیان در قرن سوم میلادی آنچنان جان گرفت که همانند آن هیچگاه در شرق نزدیک دیده نشده بود. امپراطوری روم یوغی برگردن ملتهای ساکن پیرامون مدیترانه افکند. رومیان را شاید جانشینان یونانیان بدانیم ولی دشوار می‌تواند از آن مصریان و سوریان باشد. اما ایران ساسانی بی‌گمان خلف صدق هخامنشیان بود که اینان هم جامع سنتهای آشور و بابل و مصر فرعونان در شرق نزدیک بودند. زیرا آیا هخامنشیان هنر و معماری و نیز سنتهای دینی و فرهنگی شرق نزدیک را در تیامیخته و میراث سیاسی و قانونی یک حکومت بین‌المللی را که بر شرق نزدیک بیش از دو قرن فرمان راند برپا نساخته بودند؟ آیا هخامنشیان یک قانون جهانی، data یا قانون شاه بزرگ را



وضع نکرده بودند که بر سراسر شاهنشاهی بی‌طرفانه بر فراز قوانین محلی و سنتهایی که بنوبت خود به فرمان داریوش مدون شده و مصریان او را قانونگذار بزرگ سرزمین نیل لقب داده بودند اعمال نمی‌شد؟

سپس اسلام در رسید و يك الهام نو جایگزین الهام کهنه مسیحی گشت. بدویان بیابان عربستان، زبان خویش را و نیز دین خویش را در سراسر شرق نزدیک پراکندند و تنها ایران با آناطولی توانستند از عرب زبان شدن بر کنار بمانند. زیرا که اسلام تنها دین نبود بلکه شیوه زندگی بود و يك فرهنگ و تمدن کامل بود که بر گذشته و دوران جاهلیت خط بطلان کشید و اعلام داشت که تاریخ با محمد (ص) آغاز می‌شود. ایران به اسلام گروید ولی آنچه بر فرهنگ و تمدن اسلام گذشت موضوع بحث فصلهای آینده است. تصور ایران یکپارچه در سراسر دوران حکومت عربان تا قرن شانزدهم (دهم هجری) که حکومت ملی صفوی با مذهب رسمی تشیع از بسیاری جنبه‌ها، ایران ساسانی پیش از اسلام را زنده ساخت، ادامه یافت. تداوم سنتهای ایران کهن تا امروز امری است چشمگیر. فی‌المثل جشن بزرگ ایرانیان امروزه يك روز خاص اسلامی نیست بلکه همانا نوروز است که در اعتدال ربیعی برابر با ۲۱ مارس قرار دارد.

محافظة کاری ایرانیان را می‌توان در خاصیت تکراری تاریخ ایشان مشاهده کرد. این مطلب بیننده را به یاد اندیشه هند و اروپایی گردش ادواری زمان می‌اندازد که در مقابل نظریه حرکت تاریخ بر يك خط ممتد که خاص مردم سامی شرق نزدیک است قرار دارد. این نظریه شاید بیشتر روشنگر این مطلب باشد که می‌گویند بعضی مردم سخت تحت تاثیر گذشته قرار دارند بدان حد که برگرده گذشته عمل می‌کنند و سپس تاریخ را آنچنان تعبیر می‌کنند که بایستی روی می‌داده نه آنچنانکه واقعاً روی داد. در جای دیگری از طرح وقایع در بر سر کار آمدن دودمانها در سراسر تاریخ ایران بحثی کرده‌ام (۱). شاید این پرسش مطرح شود که آیا شاه اسماعیل بنیانگذار دودمان صفوی در آغاز قرن شانزدهم عمداً کارهای نمایان خود را برگرده رفتار کورش بزرگ و اردشیر ساسانی قرار داد یا آنکه مورخان بعدها داستان را بدین قالب مردم‌پسند ریختند؟ توجه ایرانیان کهن به ثنویت خیر و شر در سراسر تاریخ ایران دیده می‌شود. اما مسئله باز شناختن خیر و راستی نیز ذهن ایرانیان را در سراسر تاریخ مشغول داشته است. بی‌گمان اشاره شاعر بزرگ ایران - سعدی که «دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز» ریشه به گذشته‌های بسیار دور و تاریخ ایران می‌رساند. زیرا هرودوت در ذهن خوانندگان تاریخ خویش شکسی برجای نمی‌گذارد که ایرانیان قدیم سخت در بند پرهیز از دروغ بودند و این سخن در کتیبه میخی فارسی باستان تأیید شده است.

محافظة کاری ایرانیان در حفظ اعتقادات و رسوم کهن را می‌توان در بسیاری جنبه‌های

فرهنگ ایشان مشاهده کرد. امروزه سرزمین ایران پر است از زیارتگاهها و امامزاده‌ها یا مزار فرزندان پیشوایان مذهب شیعه. نمی‌توان گفت که از اینها چه تعداد به پیش از اسلام و مذهب زرتشتی ریشه می‌رسانند. این موضوعی است که با وجود داشتن شاخه‌های جالب‌توجه تا کنون بدان کمتر پرداخته شده است (۲). با برشمردن آثار بازمانده از پیش از اسلام، بر تأکید تداوم سنتهای ایرانی و محافظه‌کاری این مردم بیشتر آگاه می‌شویم.

در برابر، از کهنترین زمانها مظاهری مخالف نظر بالا مشاهده می‌شود. هرودوت (ج ۱ بند ۱۳۵) گفت که هیچ مردمی مانند ایرانیان این چنین پذیرای آیین بیگانگان نیستند. هر کس که در خیابانهای تهران امروزی قدم زده باشد، همه‌گونه شیوه‌های معماری را که از مناطق یا جاهای مختلف رسیده است می‌بیند. گوناگونی و سازگاری در بسیاری از جنبه‌های فرهنگی در تاریخ ایران امری است عادی. ایرانیان بر خلاف چینیان که نفوذهای خارجی را پذیرا می‌شوند و سپس جذب می‌کنند، آنها را با استعداد خاص خود سازگار می‌کنند و به مجرد آنکه چیز تازه‌ای در دسترس بیابند که جالب‌تر باشد بی‌درنگ بدان می‌پردازند. تشبیهی که شاید بهتر بتواند این خاصیت پرتناقض و تداوم و نوپذیری را تعبیر کند، همانا سرو است که در اشعار فارسی بسیار آمده است. این درخت مانند کاج از طوفان یا بادهای سهم نمی‌شکند و قابلیت انعطاف دارد. چون باد سهمگین بوزد خم می‌شود و سر بر زمین می‌ساید و سپس با آرامش طوفان باز راست قد می‌شود.

نظر ایرانیان نسبت به تاریخ خویش بر اساس همین الگو است: ایران نخست با مادها در تاریخ نمودار شد و سپس شاهنشاهی هخامنشیان فرا رسید. این حکومت جهانی با خوی سازگاری و بردباری دینی و قانون جهانی برای ایرانیان سرمشقی بر جای گذاشت که از آن پس همواره از آن پیروی کردند. اوضاع دگرگون گشت و دورانی از کارهای پهلوانی و حتی حماسی فرا رسید. ولی سرمشق همچنان نافذ ماند. پس از اسکندر دوران تاریک سایه افکن گشت و با رستاخیز آرمانهای شاهنشاهی در قالب حکومت ساسانی جان گرفت. آنگاه عربانی که ایران را مانند اسکندر شکست داده بودند فرا رسیدند. اما اینک اندیشه‌ها و دین اسلام بر جای ماند. ایران، اسلام را پذیرفت ولی آن را با ایرانی ساختن دینی جهانی و فرهنگی ساخت که با خویها و آیینها و اعتقادهای عربان بادیه ربطی نداشت. همچنانکه زبان انگلیسی پس از پیروزی نورمانها با واژه‌های لاتینی و فرانسوی که با زبان انگلوساکسون درآمیخت غنی گشت، زبان فارسی هم با واژه‌های بسیار فراوان عربی رونقی یافت و قواعد عروضی عربی نیز به شعر فارسی غنایی بخشید. کمتر ملتی آثاری به گوناگونی و زیبایی شعر فارسی و سخنرانی مانند سعدی و حافظ و مولوی و بسیاری دیگر فراهم کرده است. منظومه‌های عرفانی و عشقی و حماسی همه مایه

آرایش زبان فارسی هستند و می‌توان به راستی گفت که شکوه‌مندی نبوغ ایرانی در شعر او جلوه‌گر است.

اینک بازگردیم به ادامه شرح تاریخ ایران از نظر ایرانیان. پس از عصر زرین اسلامی در سده‌های دوازدهم و سیزدهم (ششم و هفتم هجری) تاخت و تاز ترک و مغول کشور را تباه ساخت. شکوفانی راستین فرهنگ در این سده‌ها با چاشنی نمونه‌های هنری شرق دور فراهم گشت. با اینهمه ایران دچار جنگهای خانگی گشت تا آنکه در قرن شانزدهم همانند دوران هخامنشی و ساسانی به عظمت رسید. این بار نه به زور خارجی، بلکه با سلطنت صفویان ایران از نظر سیاسی و فرهنگی و مذهبی یکپارچه گشت. همچنانکه کورش شاهنشاهی هخامنشی را پایه گذاشت ولی داریوش خاطره آن را جاودانی ساخت و همچنانکه اردشیر دودمان ساسانی را بنیاد افکند و خسرو اول آن را استوار کرد و آراست، شاه اسماعیل حکومت صفوی را پی‌افکند و شاه‌عباس آن را قرین شکوه و جلال ساخت. شاه‌عباس در تختگاهش اصفهان به غریبان، ایرانی نو نمود، با فرشهای ایرانی و کاشیکاری و همه زیبائیهای هنری و حاصل کار پیشه‌وران آنچنان که دل از جهانگرد می‌ربود. ضرب‌المثل «اصفهان نصف جهان» را به اصفهانیان سربلند و سرافراز این دوران نسبت می‌دهند.

همچنانکه دودمان هخامنشی با تاخت و تاز بیگانگان یونانی و ساسانی از غرب پایان پذیرفت حکومت صفوی هم با حمله افغانان از سوی شرق تباه گشت. در میانه سده هیجدهم با درخشیدن شهاب نادرشاه، شاهنشاهی ایران حتی از زمان صفویان هم پهناورتر گشت. منتها چندان نیاید. سپس کریمخان زند مهربان در شیراز و سپس دودمان ترک قاجار در سده نوزدهم بر اورنگ سلطنت چیره گشتند.

قاجاران را تاب و توان پایداری در برابر روسیه و کشورهای غربی نبود و قهرتشان تا سالهای ۱۹۲۰ به تنزل گرایید و همین امر موجب شد که رضاخان قدرت را قبضه کند و دودمان جدیدی حکومت را در دست بگیرد. رضاخان دست‌اندرکار به‌ظاهر اصلاحاتی به شیوه غربی شد و پسرش محمدرضا پهلوی نیز کار پدر را با عنوان انقلاب سفید دنبال کرد.<sup>۱</sup>

حتی این نگاه مختصر به تاریخ ایران هم، گونه‌ای هماهنگی فراز و نشیب دودمانها را نمودار می‌سازد. ولی این‌نظر متضمن سیر تاریخ است تنها از دیدگاه دربار و زاویه سیاسی. اما پیوستگی و تداوم فرهنگی که بدان اشارت رفت همواره در فصلهای آینده متظاهر و آشکار می‌شود. همچنین پیوستگی و تداوم دیگری هم در سازمانها هست که شاید به بهترین وجهی در دیوانها و شیوه‌های دیوانسالاری از روزگار کهن نمودار گشته است. چنین می‌نماید که سازمان مطلوب دیوانی پی‌نهاد به دست هخامنشیان در طی قرون و اعصار تا روزگار ما مانده است و نمونه



# The Golden Age of Persia



**R. N. Frye**

Translated into Persian by:  
M.Rajab-Nia



ریچارد نلسون فرای (زاده ۱۹۲۰ - درگذشته ۲۰۱۴) محقق آمریکایی مطالعات ایران و آسیای مرکزی و استاد مطالعات ایران در دانشگاه هاروارد بود. تخصص وی زبان‌شناسی ایران و تاریخ ایران و آسیای مرکزی قبل از ۱۰۰۰ میلادی بود.

به نوشته فرای هدف از نوشتن کتاب عصر زرین فرهنگ ایران بازگویی رویدادهای فتوحات عرب‌ها در ایران و آسیای میانه و سخن از نتایج این کشورگشایی‌ها نیست؛ زیرا این کار پیش از این انجام شده است.

هدف این کتاب عبارت است از: بیان نظریات مردم سرزمین‌های گشوده شده، درباره جهانگیران عرب و آیین اسلام. همچنین این کتاب با سرگذشت عرب‌ها و اسلام در شرق و نیز علل از بین رفتن ساسانیان سروکار دارد.

